

پرسش ۲۲۰: در نفس یعقوب چه چیزی بود که در آیه اشاره شده است؟

السؤال / ۲۲۰: بسم الله الرحمن الرحيم، وصلى الله على سيدنا محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليك يا بن النبي المصطفى .. السلام عليك يا بن علي المرتضى .. السلام عليك يا بن الصديقة الزهراء .. السلام عليك يا بن الأئمة المعصومين خلفاء الله في أرضه وحججه على خلقه مصابيح الدجى وأعلام التقى، المتقدم عنكم مارق والمتأخر عنكم زاهق و اللازم لكم لاحق.

السلام عليك يا كهف الله الحصين .. السلام عليك يا صراط الله المستقيم .. من أراد الله بدأ بك ومن وحده قبل منك .. لا إله إلا الله وحده لا شريك له.

سيدي أيها الجواد الواسع تقبلنا خدماً عندك واعف عنا واعطف علينا بمجدك وتحنن علينا برحمتك، اللهم انصر سيدنا ومولانا واجعلنا من أنصاره وأعوانه والذابين عنه بحقه آمين آمين آمين، و الحمد لله وحده وحده وحده.

۱- قال عزوجل في سورة يوسف: (وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لُدُوِ عَلِيمٌ لَّمَّا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) ([43]).

فنود سيدي ومولاي لو تشرح لنا ما هي الحاجة التي كانت في نفس يعقوب (ع)؟

۲- سمعنا عن قصة لشيخ مغربي كان في جيش أمير المؤمنين (ع) يوم صفين، فبشره أمير المؤمنين (ع) بطول العمر حتى يشهد ظهور القائم (ع) وقد عزم أحد الإخوة هنا في المغرب تبليغ شيوخ القبائل هنا بالمغرب بدعوتكم الميمونة. وقد عزمنا مرافقته إن شاء الله لعلمنا نجد هذا الشيخ الجليل ويكون إن شاء الله فاتحة خير في الدعوة لله بهذا البلد.

فهلأ أجزلت علينا العطاء في قصة هذا الرجل الجليل وهلا أعطيتنا مولاي إشارة لمكان قد نجده به ونعتذر منكم مولاي لتناولنا عليكم بهذا الطلب.

۳- هل نزلت سورة التوبة بالبسملة أم لا ؟ وإذا كان الجواب لا، ما علة نزولها بدونها ؟

۴- نشهد على أنفسنا بالتقصير والتهاون في العبادات وفي الدعوة لكم والذود عنكم، فنسألكم سيدي ومولاي ان تغفر لنا تقصيرنا وأن تدعو لنا بالسداد والتوفيق لكي نكون ممن يحملون رسالتكم.

۵- نسألكم الدعاء سيدي ومولاي لنا بالشهادة بين يديكم فهذا مبتغانا من هذه الدنيا الزهيدة.

خادميك وعبدك: يونس بن عيسى، يوسف بن محمد
المرسل: يوسف بن عيسى - المغرب

بسم الله الرحمن الرحيم، و صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم
تسليماً كثيراً.

سلام بر تو ای فرزند نبی مصطفی! سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو ای فرزند صدیقه زهرا! سلام بر تو ای پسر امامان معصوم جانشینان خدا بر زمینش و حجت‌های خدا بر خلقش، آن چراغ‌های شب‌های تاریک و پرچم‌های تقوی. پیشی گیرنده از شما، از راه بیرون می‌رود و عقب‌مانده از شما، هلاک می‌شود و همراه شما، (به حق) می‌پیوندد.

سلام بر تو ای غار مستحکم خدا! سلام بر تو ای راه مستقیم خدا... هر که خدا را بخواهد، از تو شروع می‌کند و هر که خدا را یگانه بشمرد، از تو می‌پذیرد... خدایی جز خدای یکتا نیست که هیچ شریکی ندارد.

آقای من! ای بخشنده‌ی بزرگوار! ما را به عنوان خدمت‌کارانت بپذیر! از ما درگذر و با بزرگیت بر ما لطف کن و با رحمتت بر ما مرحمت نما. خداوندا! آقا و مولای ما را یاری کن و ما را از انصار و یارانش که در حقش، او را حمایت می‌کنند، قرار بده! آمین آمین آمین. والحمد لله وحده وحده وحده.

سوال ۱: خدای عزوجل در سوره‌ی یوسف می‌فرماید: «وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لُدُو

عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» [44]) (چون از جایی که پدر فرمان داده بود داخل شدند، این کار در برابر اراده‌ی خدا سودشان نبخشید، تنها، نیازی در ضمیر یعقوب بود که آن را آشکار ساخت، زیرا او را علمی بود که خود به او آموخته بودیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند).

آقا و مولایم، مایلیم اگر ممکن باشد برایمان تشریح فرمایی که چه حاجتی در نفس یعقوب بود؟

سوال ۲: از داستان شیخ مغربی شنیدیم که او در جنگ صفین در سپاه امیرالمومنین (ع) بود و امیرالمومنین (ع) به او بشارت داد که تا زمان ظهور قائم (ع) زنده می‌ماند. یکی از برادران ما در اینجا یعنی مغرب تصمیم دارد که دعوت شما را به شیوخ قبایل مغرب برساند. ما هم همراه او شدیم تا اگر خدا بخواهد این شیخ گران‌قدر را بیابیم و اگر خدا بخواهد منشأ خیری برای دعوت به سوی او در این سرزمین خدا شود.

آیا ممکن است بخشش بسیاری در قصه‌ی این مرد گران‌قدر بر ما بفرمایی و آیا ممکن است مولای من، اشاره‌ای به محل این شیخ بفرمایی تا او را آنجا بیابیم، و از شما مولای من، از جسارت در این درخواست، طلب بخشش داریم.

سوال ۳: آیا سوره‌ی توبه با «بسم الله» نازل شده است یا خیر؟ و اگر جواب منفی است، علت نزول آن بدون «بسم الله» چیست؟

سوال ۴: ما شاهدیم که در انجام عبادت‌ها و تبلیغ دعوت شما و دفاع از شما، کوتاهی و سهل‌انگاری می‌نماییم، پس از شما ای آقا و مولای من، درخواست می‌نماییم که کوتاهی‌های ما را ببخشایی و برای استواری و توفیق ما دعا فرمایی تا از زمره‌ی کسانی باشیم که رسالت شما را حمل می‌کنند.

سوال ۵: آقا و مولای من، از شما می‌خواهیم که برای شهید شدن ما در پیشگاه شما دعا فرمایی، که این خواسته و آرزوی ما در این دنیای حقیر است.

خدمت گزاران و بندگان تو: یونس بن عیسی، یوسف بن محمد

فرستنده: یوسف بن عیسی - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

ج س ۱: الجواب موجود في الاضاعات ج ۳ ق ۲:

إضاءة

(وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) ([45]).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليماً.

جواب سوال ۱: پاسخ در کتاب روشنگریها از دعوت فرستادگان جلد ۳ قسمت ۲

موجود است:

روشنگری

« گفت: ای پسران من، از یک دروازه داخل مشوید، از دروازه‌های مختلف داخل

شوید و من قضای خدا را از شما دفع نتوانم کرد و هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست، بر

او توکل کردم و توکل کنندگان، باید که بر او توکل کنند» ([46]).

لقد علم يعقوب (ع) من الله أن بنيامين سيفقد كما فقد يوسف (ع)؛ ولذا أخذ عليهم عهداً أن يعيدوا بنيامين واستثنى (إلا أن يُحاطَ بِكُمْ) ([47])، وكان يعلم أنه سيحاط بهم، بل وفي هذه الآية: (لا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) أراد تفرقتهم لعل بنيامين ينجو ويعود إليه؛ لأنه يُعرف بأخوته وهم عدد يلفت الأنظار.

يعقوب(ع) از جانب خدا می دانست همان گونه که یوسف(ع) مفقود شد، بنیامین نیز گم خواهد شد و به همین دلیل از آنان پیمان گرفت که بنیامین را بازگردانند و در عین حال، استثنا کرد که: « مگر آنکه کاملاً احاطه و ناچار شوید » [48] و می دانست که آنان کاملاً احاطه و گرفتار می شوند. حتی در این آیه: « گفت: ای پسران من، از یک دروازه داخل شوید، از دروازه های مختلف داخل شوید و من قضای خدا را از شما دفع نتوانم کرد و هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست، بر او توکل کردم و توکل کنندگان، باید که بر او توکل کنند » جدایی آنها از یکدیگر را طلب کرد تا شاید بنیامین نجات یابد و به سویس بازگردد؛ زیرا او با برادرانش شناخته می شد و تعداد آنها توجه ها را به سویشان جلب می کرد.

ومع هذا فإن يعقوب يعلم إنه لن ينفعم بهذا كثيراً؛ لأن مشيئة الله كائنة ولم يكن تعليم يعقوب لأبنائه: (إلا حاجة في نفس يعقوب قضاها)، ولكن ماذا ينفع حذر يعقوب؟!!! أمام تقدير وقضاء الله سبحانه وتعالى: (ما كان يُعني عنهم من الله من شيء إلا حاجة في نفس يعقوب قضاها) [49]، ويعقوب (ع) يعلم هذا أيضاً: (وما أغني عنكم من الله من شيء)، ولكن أراد أن لا يهمل العمل بالممكن للحفاظ على بنيامين والنتيجة فإن مشيئة الله هي الكائنة: (إن الحكم إلا لله عليه توكلت وعليه فليتكمل المتوكلون).

در عین حال، یعقوب به خوبی می داند که او هرگز به این ترتیب، نمی تواند کمک زیادی به آنها نماید زیرا اراده و مشیت خدا، انجام شدنی است، برخلاف تعلیم یعقوب به پسرانش: « مگر حاجتی در ضمیر یعقوب بود که آن را آشکار ساخت »؛ ولی این ترس و بر خذر داشتن یعقوب چه سودی رساند؟!!! « این کار در برابر اراده ی خدا سودشان نبخشید، تنها نیازی در ضمیر یعقوب بود که آن را آشکار ساخت » [50] در حالی که یعقوب(ع)، خود بر این موضوع آگاه است: « و من قضای خدا را از شما دفع نتوانم کرد

« اما یعقوب (ع) می خواهد که عملی را که می تواند بنیامین را حفظ کند، رها نکند، ولی نتیجه، اراده‌ی خداست که تحقیق یافتنی است: «هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست، بر او توکل کردم و توکل کنندگان، باید که بر او توکل کنند.»

وبعد هذا كله فإنَّ يعقوب ذو علم ومعرفة من الله سبحانه وتعالى وقد عمل على قدر علمه ومعرفته: (وَإِنَّهُ لُدُوْ عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) ([51]).

با همه‌ی این موارد، یعقوب (ع) صاحب علم و حکمت از سوی خدای سبحان و متعال بود و به اندازه‌ی علم و معرفتش، عمل نمود: « او را علمی بود که خود به او آموخته بودیم ولی بیشتر مردم نمی دانند » ([52]).

ولكن فوق يعقوب ذي العلم يوسف (ع) العليم فكانت النتيجة أنه: (أَوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ) ولم ينفع تدبير يعقوب (ع) ليعود إليه بنيامين: (كَذَلِكَ كَدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ) ([53]).

ولی بالاتر از یعقوب (ع) صاحب علم و معرفت، یوسف (ع) علیم قرار دارد و نتیجه چنین می شود که: «برادرش را در نزد خود جای داد» و تدبیر یعقوب (ع) برای بازگردانیدن بنیامین به سویش، سودی نبخشید: «این گونه، حيله‌ای به یوسف آموختیم که در آیین آن پادشاه، نمی توانست برادر را نگه دارد، جز آن که خدا بخواهد که هر کس را که بخواهیم به درجاتی بالا می بریم و بالاتر از هر صاحب علمی، علیمی (داناتری) قرار دارد» ([54]).

ج س ۲: أسأل الله أن يوفقكم لكل خير. واعلم إن مجاري الأمور بيد الله سبحانه وتعالى وقد عقلها بالاخلاص فاخلصوا لله توفقوا إلى ما يرضيه من الخير.

جواب سوال ۲: از خدا می‌خواهم که به شما توفیق هر خیری را عطا کند و بدان که راه انجام هرکار به دست خدای سبحان و متعال است و خداوند انجام امور را منوط به اخلاص نموده است؛ پس برای خدا خالص شوید تا بر انجام هر خوبی که رضایت او در آن است، موفق گردید.

ج س ۳: بسملة سورة التوبة هي: (بسم الله الواحد القهار).

جواب سوال ۳: «بسم الله» سوره‌ی توبه عبارت است از «بسم الله الواحد القهار» (به نام خدای یگانه‌ی قهار).

ج س ۴، ۵: أسأل الله أن يوفقكم لكل خير ويجنبكم كل شر ويرزقكم خير الخير رضاه والجنة ويجنبكم شر الشر سخطه والنار، وأن يمن عليكم بأن يجعلكم ممن ينتصر به لدينه وأن يجعلكم ممن يثبت بهم كلمته الباقية وأن يملئ بكم الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، وأسأله سبحانه وتعالى أن يجعلكم من الشهداء على خلقه وأن يختم لكم ولي أنا المذنب المقصر بالخير كله قتلاً في سبيله سبحانه وتعالى نصرةً لدينه، ولا تنسوني من دعائكم واغفروا لي تقصيري بحقكم أيها الأطهار المباركون المعروفون في السماء.

أحمد الحسن

جواب سوال ۴ و ۵: از خدا می‌خواهم که شما در هر خیری موفق گردانید و از هر شری بازدارد؛ به شما بهترین خیر یعنی رضایتش و بهشت را ببخشد و بدترین بدی‌ها یعنی خشمش و آتش را از شما بازدارد؛ بر شما منت نهد و شما را از کسانی قرار دهد که برای یاری دینش از آنان کمک می‌خواهد و شما را از کسانی قرار دهد که کلمه‌ی ماندگار و باقی‌ش را با آنان استوار و ثابت می‌سازد و با شما زمین را پر از قسط و عدل کند پس از آن که پر از ظلم و جور شده است. از آن معبود سبحان و متعال می‌خواهم شما را از کسانی قرار دهد که بر خلقش شهادت می‌دهند و پایان کار شما و من گنه‌کار و

تقصیر کار را همه ی خیر و خوبی یعنی کشته شدن در راه آن معبود سبحان و متعال در جهت یاری دینش قرار دهد. مرا در دعایتان فراموش نکنید. ای پاکان مبارک که در آسمان معروفید، برای کوتاهی‌هایی که در حق شما روا داشته‌ام، برایم طلب بخشش نمایید.

احمد الحسن



[43] - یوسف: 68.

[44] - یوسف: 68.

[45] - یوسف: 67.

[46] - یوسف: 67.

[47] - یوسف: 68.

[48] - یوسف: 66.

[49] - یوسف: 68.

[50] - یوسف: 68.

[51] - یوسف: 68.

[52] - یوسف: 68.

[53] - یوسف: 76.

[54] - یوسف: 76.